



سال چهارم، شماره ۳، پیاپی ۱۲ پاییز ۱۴۰۰

www.qpjournal.ir



ISSN : 2645-6478

شیوه‌های تأثیرپذیری از قرآن و حدیث در شعر وصال شیرازی

دکتر سید امیر جهادی^۱ دکتر حمیدرضا خوارزمی^۲ علیرضا خداوند دوست^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۶ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۵/۲۳

(از ص ۴ تا ص ۲۴)

نوع مقاله: پژوهشی



[20.1001.1.27834166.1400.4.3.1.2](https://doi.org/10.27834/2645-6478.1400.4.3.1.2)

چکیده

میرزا محمد شفیع شیرازی متخلص به وصال در سدهٔ سیزدهم هجری، شاعری مسلمان و شیعه‌ای دلسوخته، از محبان اهل بیت و از جملهٔ شاعرانی است که در سرودن اشعار خود به آیات قرآن، روایات، احادیث و وقایع مذهبی نظر داشته و به گونه‌ای استادانه با طبعی روان و زبانی گویا از دانسته‌های دینی خود در شعرش استفاده کرده است. در این پژوهش سعی شده که گونه‌های تأثیرپذیری از قرآن و حدیث در دیوان وصال شیرازی نشان داده شود. از جمله وجوه اهمیت این تحقیق این است که روش‌های بازتاب احادیث و آیات قرآن را در دیوان وصال از میان انبوه اشعار مدحی و توصیفی برجسته‌سازی و طبقه‌بندی شده و مواردی از قبیل، بررسی اعلام مذهبی «انبیاء، ائمهٔ اطهار، اولیا»، بررسی تلمیحات مذهبی، همچنین نشان دادن بازتاب باورهای مذهبی در دیوان و کاربرد آیات قرآنی و احادیث را شامل می‌شود و به تحلیل بسامدی آن‌ها می‌پردازد. بسامد تأثیرپذیری از قرآن و حدیث در دیوان وصال به لحاظ قالب شعری، در درجهٔ نخست، به قصاید و سپس به مثنوی‌های او اختصاص یافته است و در غزلیات وصال علیرغم تعداد بالا، در این قالب، تأثیرپذیری کمتری مشاهده می‌شود؛ همچنین وصال در تأثیرپذیرفتن از قرآن و احادیث که هرگاه فرصتی مناسب دیده از این امر بهره برده و با شیوه‌های مختلف این کار را انجام داده است؛ از جمله اصرار ویژه‌ای به وام‌گیری از کلمات آیات قرآن، قرینه‌سازی با آیات و احادیث، و معطوف کردن ذهن مخاطب به آیات. روش مد نظر در این پژوهش، روش کتابخانه‌ای و مبتنی بر تحلیل و توصیف محتوای کمی و کیفی است.

واژه‌های کلیدی: وصال شیرازی، قرآن، حدیث، تجلی قرآن و حدیث، تلمیحات مذهبی.

۱. دانشیار بخش زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران. (نویسنده مسئول) // Email :

jahadi@uk.ac.ir

۲. دانشیار بخش زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران. // Email :

hamidrezakharazmi@uk.ac.ir

۳. دانش آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران. // Email :

alirezakhodavandoost@gmail.com

۱- مقدمه

۱-۱- شرح و بیان مسئله

با گسترش شعر فارسی و تحولاتی که در گذر زمان پدید آمده و پیوندهای فرهنگ ایرانی با فرهنگ اسلامی استوارتر شده و زمینه‌ای به وجود آمده است، تا سخنورانی که علاوه بر طبع توانای شاعری، در قرآن و معارف اسلامی نیز دستی داشته‌اند؛ جلوه‌هایی از قرآن و احادیث در آثارشان، روز به روز بیشتر تجلی پیدا کند. از بیشترین تأثیراتی که دین اسلام در فرهنگ ایرانی داشته، در زمینه هنر این مرزوبوم است، که یکی از آن‌ها وارد کردن مضامین مذهبی، دینی، عرفانی، فقهی، آیات و روایات به شعر و ادب ایرانی است؛ به گونه‌ای که بزرگترین شاعران ایرانی از سده‌های نخستین به عربی‌دانی و حفظ داشتن آیات و احادیث و استفاده از آن‌ها در اشعارشان مفاخره می‌کردند. وصال شیرازی از شاعران مسلمان شیعه مذهب است که به مقدار زیادی، آیات و احادیث و باورهای دینی در اشعارش تجلی پیدا کرده است و مانند بسیاری از شاعران پیشین از این امر بی‌بهره نمانده و به گونه‌ای استادانه از دانسته‌های دینی خود در شعرش استفاده کرده است. «با مطالعه دیوان وصال شیرازی مشاهده می‌کنیم او از جمله این شاعران نامدار است که اشعار زیبایی در مدح و منقبت و رثای اهل بیت (ع) سروده و واقعه عاشورا را در اشعارش به تصویر کشیده است. بی شک نام این شاعر بر تارک ادبیات متعهد می‌درخشد، زیرا با اشعار دلنشین خود با صراحت و شجاعت، اهل بیت (ع) را مدح و رثا کرده است و وقایع تاریخی را با استفاده از ابیاتی دقیق و لحنی صریح بیان می‌کند...» (احمدی و موسوی، ۱۳۹۴: ۱۲).

وی در قصیده پیرو سنایی و خاقانی و در غزل اغلب از شیوه سرآمدان غزل سرا یعنی سعدی و حافظ پیروی می‌کرده است. (ن.ک: وصال شیرازی، ۱۳۷۸: مقدمه/ هجده). در این تحقیق سعی شده به واکاوی و جداسازی ابیاتی که شاعر آموزه‌های دینی را در اشعارش دخیل داشته، پرداخته شود.

۱-۲- پیشینه پژوهش

در زمینه موضوع پژوهش فعلی، تا کنون هیچ تحقیق مستقل و کاملی انجام نشده است و در این پژوهش برای نخستین بار با تحلیل کیفی و کمی، روش‌های استفاده شاعر از آیه‌ها و احادیث، نشان داده خواهد شد؛ ضمن اینکه برای رعایت حجم مقاله، از هر نمونه یک یا دو مورد به عنوان شاهد مثال ذکر خواهد شد. در باب تأثیرپذیری از قرآن و حدیث در کلام سایر گویندگان، پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است که ذیلاً مواردی نقل می‌گردد:

- حسینی در پایان‌نامه «تأثیر قرآن و حدیث بر دیوان شعر فیض کاشانی (جلد اول)» سعی کرده است، تأثیر قرآن کریم و روایات را بر اشعار دیوان شعر فیض کاشانی، مورد بررسی قرار دهد و از انواع شیوه‌ها و گونه‌های اثرپذیری مانند: اثرپذیری واژگانی، گزاره‌ای، گزارشی، تلمیحی، تأویلی و تطبیقی سخن رفته است.

- نعمتی کرکوق در پایان‌نامه بررسی شیوه‌های تأثیرپذیری از آیات و احادیث در آثار عطار با تکیه بر دیوان، با اشاره به زندگی عطار و آبخورهای فکری او، به ویژه قرآن و حدیث، ابیاتی از آثار شاعر به خصوص دیوان شعرش که



متحلی به آیه‌ای از قرآن یا حدیث است، استخراج کرده و سپس شیوه‌ها و گونه‌های اثرپذیری از قرآن و حدیث را نشان داده است.

- کاظم خانلو در پایان‌نامه تأثیر قرآن و حدیث در دیوان لامع قزوینی به تأثیر قرآن و حدیث در شعر او پرداخته است

- یزدانی در مقاله «بررسی تأثیر قرآن و حدیث، بر اشعار شاهنامه فردوسی» که در سال ۱۳۹۷ اولین همایش بین‌المللی زبان و ادبیات فارسی ارائه شده است به بررسی آیات، روایات و برخی شواهد عربی که در شاهنامه فردوسی به کار رفته، پرداخته است.

- **روش پژوهش:** محمد راستگو، شیوه‌ها و گونه‌های اثرپذیری از قرآن و حدیث را به گونه‌ای نو و گسترده با نام‌هایی چون اثرپذیری واژگانی، گزاره‌ای، گزارشی، تفسیری، ساختاری و... در کتابی به نام تجلی قرآن و حدیث نگاشته است؛ این کتاب در این پژوهش مبنای کار ما قرار گرفته است. برای این مهم ابتدا دیوان وصال شیرازی با دقت بررسی و مطالعه، سپس ابیات مورد استفاده در تحقیق استخراج شده است؛ بعد شواهد مستخرج شده طبق طبقه‌بندی کتاب مذکور ذیل هر کدام از عنوان‌ها نوشته و آیات و روایات و در کنار آن رخدادهای مذهبی و... نیز با ذکر منبع در ذیل چند بیت آورده‌ایم، سپس ابیاتی به عنوان شاهد مثال نیز افزوده شده است.

۲- بحث و بررسی

۲-۱- مختصری در باب احوال و آثار وصال شیرازی

میرزا محمد شفیع شیرازی (۱۲۶۲-۱۱۹۷هـ.ق / ۱۷۸۳-۱۸۴۶ م)، مشهور به میرزا کوچک و متخلص به وصال و کنیه‌اش ابومحمد و ابواحمد و داماد رحمتعلیشاه شیرازی است. وصال از شعرا، ادیبان و خوش‌نویسان معروف شیرازی در سده سیزدهم هجری بود. وصال فرزند میرزا اسماعیل و او فرزند محمد شفیع بود که «بنا بر نوشته دیوان بیگی این دو اسم تا شش پشت ایشان جاری است و جدّ اعلاّی او در زمان سلاطین صفویه عامل گرمسیرات فارس بوده و میرزا اسماعیل خان نام داشته است و میرزا محمد شفیع در خدمت نادرشاه افشار شغل دبیری داشته و مورد احترام کامل بوده است» (وصال شیرازی، ۱۳۷۸: هفت).

او در ابتدا برای خود تخلص مهجور را برگزیده بوده است، ولی پس از تکمیل معلومات ادبیه و عربی و حکمت و دیگر علوم زمان نزد حکما و دانشمندان عصر، متمایل به عرفان می‌گردد، ابتدا از مجالست چند تن از عرفای دوران بهره‌مند می‌شود تا «سرانجام دست ارادت به حضرت شیخ الواصلین و اوحدالموحّدین، حاج میرزا ابوالقاسم شیرازی متخلص به سکوت می‌دهد» (معصوم شیرازی، ۱۳۴۵: ۳/۳۶۵). و تا آخر عمر مبارک مراد، دست از دامن این عارف بزرگ بر نمی‌دارد و اوست که تخلص «وصال» را به جای «مهجور» برای وی بر می‌گزیند.

با وجود آنکه سلاطین و فرمانروایان راغب بودند وصال را در کنف حمایت خود درآوردند اما وصال کمتر گرد این‌گونه مجالست‌ها می‌گشت و از راه کتابت قرآن مجید نیاز مادی خود را برطرف می‌کرد. وی به فرزندان خود می‌گفت:

شعر نیکو صنعت است ولی شاعری حرفه زشتی است، زیرا آن دریایی از دانش و فنی از حکمت است و این نوعی گدایی. وصال دو روز ایام هفته را صرف تدریس به عموم می‌کرد. در سن شصت و چهار سالگی چشمش به آب مروارید مبتلا شد و یکسال نابینا بود. پس از آن طبیبی از کرمانشاه چشمش را میل زد و چشمش معالجه شد. وصال چنان به مطالعه عشق داشت که بعد از معالجه چشم فوراً مطالعه را از سرگرفت و همین امر باعث شد مجدداً نابینا گردد. در «رجب ۱۲۶۲ هـ.ق» درگذشت و در بقعه شاهچراغ در شیراز، در جوار مدفن مرشد خود میرزای سکوت مدفون شد.

آثار وصال

الف) آثار منظوم: علاوه بر دیوان اشعار، وصال به صورت جداگانه آثاری چون قطعه و رباعی و ماده تاریخ و... دارد. هریک به نوبه خود بسیار روان و ارزشمند می‌باشند؛ «در دیوان قدیم «چاپ سنگی» وصال، از رباعیات وی اثری نیست و آنچه در این دیوان آورده شده از روی نسخه خطی کتاب بزم وصال و صبح وصال فراهم آمده است» (وصال شیرازی، ۱۳۷۸: مقدمه/ بیست و یک).

ب) آثار منثور: وصال جز دیوان شعر و آثار منظوم او تألیفات دیگری نیز به نثر یا نثر و نظم توأم دارد. «کتابی در حکمت و کلام به نثر و نظم، کتابی در شرح گفتار فارابی در علم موسیقی، شرحی در مورد عروض و قوانین آن، رساله در تفسیر احادیث قدسیه. کتاب صبح وصال به شیوه گلستان شیخ سعدی علیه الرحمه نوشته شده و شرح منتخبی از مقالات زمخشری که جز دیوان اشعار بقیه تا کنون چاپ نشده‌اند» (نورانی وصال، ۱۳۶۸: ۳).

۲-۲- بحثی در خصوص شیوه‌های تأثیرپذیری در بدیع کهن

شیوه‌های اثرپذیری از قرآن و حدیث در بلاغت کهن به اختصار در موارد ذیل بیان می‌شود. مقوله حاضر از این جهت بیان می‌شود که مقاله کنونی از الگوی نوین بررسی، منطبق بر اثر راستگو بهره برده است و از این رهگذر می‌توان مقایسه‌ای را در این خصوص شاهد بود:

۱- اشاره: در لغت به معنای فهماندن با دست، چشم، ابرو و... است و در اصطلاح ادیبان عبارت است از این که «گوینده یا نویسنده در الفاظ اندک معانی بسیار ایراد کند و کلام او حاکی از کنایه و رمز باشد و با وجود اختصار، برای شنونده چیزهای زیادی را بیان نماید» (حلبی، ۱۳۹۸: ۵۰).

۲- اقتباس: معنای لغوی اقتباس پرتوی نور و فروغ گرفتن است که پاره‌ای از آتش بگیرند و آتش دیگر با آن روشن کنند و به این مناسبت است که دانش را چراغ روشن دانسته‌اند. «اقتباس در اصطلاح اهل ادب آن است که حدیث یا آیتی از کلام الله یا بیت معروفی را بگیرند» (همایی، ۱۳۷۴: ۳۸۳)، البته گرکانی شروطی مانند عدم نقل و روایت و ضرورت جایگاه حکمت و موعظه و اخلاق را سبب حسن موقع دانسته است (ن.ک. گرکانی، ۱۳۷۷: ۷۴). قرار گرفتن علم و هنر و ادب آموختن از دیگری را اقتباس گفته‌اند. «اقتباس در فن بدیع عبارت از آوردن آیه‌ای از قرآن مجید یا حدیثی از رسول اکرم (یا معصومان دیگر) یا بیت معروفی است، به نحوی که معلوم باشد قصد اقتباس است نه سرقت و انتحال...» (حلبی، ۱۳۹۸: ۶۸ و ۶۹). یکی از گونه‌های اقتباس درج است که «گوینده در



مقام تبلیغ و وعظ از آیات و احادیث بهره می برد و آن را به صورت نقد یا غیر آن رعایت می کنند» (راشد محصل، ۱۳۸۹: ۳۰).

۳-تضمین: راستگو در کتاب تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی، اقتباس و تضمین را یکی دانسته و آن را تأثیرپذیری گذاره‌ای نامیده است که می گوید: گوینده هرگاه عبارتی قرآنی یا حدیثی را با همان الفاظ عربی بدون هیچ تغییر و یا اندکی تغییر هنگامی که در تنگنای وزن و قافیه قرار گرفته و از آن راه گریزی ندارد در سخن خود جای دهد. تضمین به معنی گنجاندن است که «در علم بدیع عبارت از این است که شاعر آیتی از قرآن یا حدیثی از معصوم یا مصراعی یا بیتی یا دوبیتی از شعر (یا نوشته) شاعران و نویسندگان پیشین یا معاصر را در سروده خود می آورد، و اگر آن سخن مشهور نباشد، نام او را در سخن خود ذکر می کند...» (حلبی، ۱۳۹۸: ۶۰).

۴-تلمیح: تلمیح در لغت به گوشه چشم نگریستن و یا اشاره کردن است و در فن بدیع، این است که نویسنده یا شاعر برای اثبات سخن خود به آیه‌ای، روایت و حدیثی (یا قصه‌ای، مثلی یا شعری) مشهور و معروف اشاره کند، و یا اینکه گوینده «از اصطلاحات علوم استفاده کند، بی آنکه صریحاً متذکر استفاده خود باشد مانند این ابیات از فردوسی بزرگ:

بیارای جام و بپیمای جام	ز تیمار گیتی مبر هیچ نام
اگر چرخ گردان کشد زین تو	سر انجام خشت است بالین تو
دلت را به تیمار چندین مبند	بس ایمن مشو بر سپهر بلند
همه مرگ راییم پیر و جوان	به گیتی نماند کسی جاودان

که تلمیح دارد به آیه کریمه «أَيْنَمَا تَكُونُوا يُدْرِكْكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ» (همان: ۵۵).
۵-تمثیل (ارسال مثل): هرگاه عبارتی مشهور یا پندگونه و حکمت آمیز که تمثیل بدان درست باشد و سخنور به کار گیرد و سخن خویش را استواری و کلام را زینت بخشد، ارسال مثال گویند. «در اصطلاح ادیبان عبارت از تشبیه چیزی به چیزی یا شخصی به شخصی است تا از آن فایده‌یی معنوی حاصل شود» (همان: ۷۳).

۶-حل یا تحلیل: معنای لغوی حل، گشودن و از هم باز کردن است. ولی ادیبان به گرفتن حدیثی از احادیث، شعری از اشعار، مثلی از امثال و آیه‌ای از آیات در گفتار و نوشتار گویند. «با خارج ساختن عبارتی از وزن یا صورت اصلی‌اش به طور کامل یا ناقص مانند: (مثنوی، ۴/۱، نیکلسن)

جسم خاک از عشق بر افلاک شد	کوه در رقص آمد و چالاک شد
عشق جان طور آمد عاشقا	طور مست «و خرّ موسی صاعقا»

که در آن آیه را برای وزن شعر حل کرده و در آن تغییراتی داده است، چه در اصل «فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَى صَعِقًا فَلَمَّا» (اعراف، ۷/ آیه ۱۴۲) بوده» (حلبی، ۱۳۹۸: ۶۳).

۷-التفات: به معنای روی کردن است اما در علم بدیع، سخنی را به روش (تکلم، خطاب و غیبت) گفتن و سپس روی به طریق دیگر آوردن گفته‌اند. و عالمان بدیع آن را دو قسم می‌دانند: قسم اول: «این است که در سخن از غیبت به خطاب یا بلعکس از خطاب به غیبت منتقل شوند» (حلبی، ۱۳۹۸: ۵۳).

۸-تجاهل العارف: یعنی اینکه دانا خود را نادان وانمود کند؛ به عنوان مثال شخصی موضوعی را می‌داند ولی رفتاری بروز می‌دهد که گوید آن را نمی‌داند. به تعبیر ادیبان «سوق دادن کلامی معلوم بر مساقی جز خودش برای خاطر نکته‌ی (جرجانی، تعریفات، ۴۶). چنانکه سعدی در ابیات زیر گوید:

آینه در پیش آفتاب نهادست بر در آن خیمه، یا شعاع جبین است»

(حلبی، ۱۳۹۸: ۹۳).

۹-محاضره: بحثی را گویند که محاضر، خطیب یا شاعر و... در انجمن یا مجلسی از مردم القا می‌کنند، حاضران نیز هر مطلبی راجع به آن مبحث در ذهن دارند، در پاسخ می‌گویند. به عبارت دیگر «محاضره عبارت از گفتاری است که با همنشین و هم مجلس خود بگویی از آیه یا حدیث یا شعر یا نادره یا مثلی سایر؛ و حاضر جوابی عبارت از این است که شخص آنچه درباره سخن همنشین یا هم مجلس خود در تأیید یا در نقض گفتار او می‌داند بگوید، چنانکه او را مَفْحَم یا مجاب سازد، و اثر گفتار او را تأکید کند، و یا اگر مخالف است، گفتار او را بی‌اثر، و خنثی سازد» (همان: ۹۴).

۱۰-ایهام: ایهام در لغت به معنی «به گمان افکندن» است. و در اصطلاح ادیبان اینست که لفظی را یاد کنند که نزدیک و دور باشد و چون کسی آن را بشنود معنی نزدیک را بفهمد ولی مقصود گوینده معنی دور باشد. «در قرآن مجید بیش‌تر آیات متشابه از این جنس است. مانند این که می‌گوید «يَدَاللَّهُ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ» (فتح، ۴۸ / آیه ۱۰) دست خدا بر فراز دست‌های آنهاست که معنی نزدیک «یَد» دست و معنی دور آن «قدرت» و «تسلط» است» (همان: ۹۶).

۱۱-تهکّم: تهکّم را یکی از شاخص‌ترین وجه صنایع ادبی دانسته‌اند. «تهکّم نوعی از هزل است، فرق میان آن دو اینست که ظاهر تهکّم جدّ و باطن آن استهزاء است، و هزل عکس آنست یعنی ظاهر آن چنانکه گفتیم یاوه‌گویی است ولی باطن آن جد است» (حلبی، ۱۳۹۸: ۹۸).

شاعران فارسی‌گوی یکی از جنبه‌های هنری کار خود را در استفاده از قرآن و احادیث قرار داده‌اند و مهارت شاعرانه خود را با استفاده از این مقوله‌ها به معرض نمایش قرار داده‌اند. بهره‌هایی که ناشی از استفاده سطحی از این الگوها باشد بس ناخوش و نا پسند و نامطبوع است و استفاده‌ای که از مهارت شاعرانه و الایی خیزد، خوشایند، پسندیده، جمیل، جذاب و مطلوب باشد. در ادامه در اینجا تلاش می‌شود تا شیوه‌ها و شگردهای خاص وصال شیرازی را در استفاده بلاغی و هنری از آیات و احادیث دسته‌بندی نماییم.



به جهت کوتاهی حجم نوشتار برای هر مورد شواهد معدودی ذکر شده است.

۱-۳-۲- اثرپذیری واژگانی

در اثرپذیری واژگانی شاعر در پاره‌ای از واژه‌ها و ترکیب‌ها، وامدار قرآن و احادیث است؛ یعنی شاعر، «واژه‌ها و ترکیب‌هایی را در شعر خویش می‌آورد که ریشه قرآنی و حدیثی دارند و مستقیم یا غیرمستقیم توسط خود شاعر یا دیگران به زبان و ادب فارسی راه یافته‌اند، و اگر قرآن و حدیث نمی‌بود، زبان و ادب ما نیز از آن واژه‌ها و ترکیب‌ها، یا به طور کلی و یا با معنی ویژه اسلامی آنها بی‌بهره می‌بود» (راستگو، ۱۳۹۳: ۱۵). این اثرپذیری به سه شیوه وام‌گیری، ترجمه و برآیندسازی انجام می‌گیرد:

الف. وام‌گیری

در این شیوه، ترکیبات قرآنی و احادیث ساختار عربی خود را حفظ کرده، و بدون دگرگونی یا اندک تغییرات لفظی یا معنوی، بدون آسیب رسیدن به ساختار عربی آن به زبان و ادب فارسی راه یافته است. مانند:

به موجودات چون دادت شرف زین خاکدان بگذر نشاید خاکبازی کرد، با تشریف کرّمنّا^۱

(وصال شیرازی، ۱۳۷۸: ۴/۱)

تویی کامد طراز پیکرت تشریف کرّمنّا چو طفلان در گل و لای طبیعت چندش آلابی؟

(همان: ۴۵۱)

«وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (الإسراء: ۷۰).

ب. ترجمه

این مورد از تأثیرپذیری در زیر مجموعه تأثیرپذیری واژگانی قرار دارد، به همین مناسبت در این شیوه، شاعر از واژه پارسی شده ترکیبات قرآنی و حدیثی بهره می‌برد و ترجمه کامل آیه و حدیث در این دسته مستثنی است. مانند:

بهشتی خوش و نغز و آراسته ز میوه در او، آنچه دل خواسته

(وصال شیرازی، ۱۳۷۸: ۷۷۴/۲)

«وَقَوَّكِهِ مِمَّا يَشْتَهُونَ» (المرسلات: ۴۲). «وَأَمْدَدْنَاهُمْ بِفَاكِهَةٍ وَلَحْمٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ» (الطور: ۲۲).

ج. برآیندسازی

در این شیوه، واژه یا ترکیب دقیقاً به آن صورتی که در آیه یا حدیث آمده است نیست و «بر پایه مضمون آیه‌ای یا حدیثی ساخته می‌شود؛ به دیگر سخن، چنین واژه یا ترکیبی برآیند و فرآورده‌ای است از آیه یا حدیث» (راستگو، ۱۳۹۳: ۱۸). برآیندهای ذکر شده بعضاً ساخته و پرداخته ذوق و قریحه وصال است و در این شیوه وصال از محصل شعرای پیشین بهره برده است:

آن حوریان که طوبی طبع من

پرورده زیر سایه مر ایشان را
(وصال شیرازی، ۱۳۷۸: ۳۱/۱)

۲-۳-۲- اثرپذیری گزاره‌ای

در اینجا گزاره به معنای عبارت و جمله، خواه جمله کامل و خواه جمله ناقص به کار می‌رود. این نوع اثرپذیری خود به دو گونه اقتباس و حل بخش‌پذیر است:

الف) اقتباس و تضمین

در کتابهای بلاغی، اقتباس و تضمین دو نوع از تأثیرپذیری شناخته می‌شده است که از یکدیگر جدا بوده ولی ارتباطهایی که از برخی جهات این دو نوع تأثیرپذیری داشته‌اند، آن‌ها را به هم نزدیک کرده است. معنای لغوی اقتباس پرتوی نور و فروغ گرفتن است که پاره‌ای از آتش بگیرند و آتش دیگر با آن روشن کنند و گرفتن علم و هنر و ادب آموختن از دیگری را اقتباس می‌گفته‌اند. دیگر، گفته شده که تضمین «در علم بدیع عبارت است از اینکه سخن و آیه و یا حدیث و یا مصراع و بیتی و یا عبارتی از شعر یا نوشته دیگری در بین نوشته خود بیاورد و در صورتیکه مشهور نباشد نام گوینده آن را نیز ذکر کند» (حلبی، ۱۳۵۷: ۵۰). در تقسیم‌بندی‌های جدید اقتباس و تضمین یکی به حساب آمده و این تعریف از آن برمی‌آید که عبارت قرآنی با همان ساختار عربی که دارد، بدون هیچگونه تغییر یا اندکی تغییر در سخن خود جای می‌دهیم. «این گونه بهره‌گیری از قرآن و حدیث با قصد و غرض‌های گوناگونی انجام می‌پذیرد: تبرک و تیمن، تبیین و توضیح، تعلیل و توجیه، تشبیه و تمثیل، تحذیر و تحریض، تزیین و تجمیل، استشهاد و استناد، نکته‌پردازی، فضل‌فروشی، هنر نمایی و... و پیداست که چه بسا پاره‌ای از این‌ها یکجا و با هم نیز زمینه‌ساز اقتباس می‌توانند باشند» (راستگو، ۱۳۹۳: ۳۰). مانند:

مآیله غیبی که می‌جست آن تویی ربنا انزل علینا مآیله

(وصال شیرازی، ۱۳۷۸: ۵۳۵/۲)

«قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ» (المائدة: ۱۱۴).

لیس علیکم جناح، خوان و قدح نوش رغم حریفی که گفت باده جناح است

(وصال شیرازی، ۱۳۷۸: ۷۲/۲)

«وَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ وَلَكِنْ مَا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» (الأحزاب: ۵).

معنای لغوی حل، گشودن است و در بلاغت کهن حل را عکس عقد دانسته‌اند و این یعنی «سخن منظوم را تبدیل به نثر کردن؛ اگر وجه اقتباس برای ترجمه و شرح و تفسیر باشد بسیار مستحسن و در جزو صنایع و محاسن بدیعی است و گرنه آن را نوعی از دستبردهای ادبی می‌توان شمرد» (همایی، ۱۳۷۴: ۳۷۲).



گاهی شاعر در استفاده از آیات و احادیث در شعرش به جهت وزن و قافیه به شدت در تنگنا قرار می‌گیرد و گاهی هم میل و اشتیاقش از سوی دیگر او را بر می‌انگیزاند تا برای زینت بخشیدن به سخن خویش با آیات و احادیث، بیش از پیش در آن‌ها دخل و تصرف کند؛ چه بسا ساختار اصلی آن را از هم بپاشاند. «دستکاری در حد از هم پاشاندن ساخت و بافت آیه و حدیث در زبان ادب حلّ و تحلیل خوانده می‌شود» (راستگو، ۱۳۹۳: ۳۴). مانند:

مگر خطاب تَبَّتْ یدا چو بولهبم

که از دو داغ دو دستم لَهَب فزاید و تب

(وصال شیرازی، ۱۳۷۸:

۵۳/۱)

«تَبَّتْ یدا اَبی لَهَبٍ وَتَبَّ/ سَيَصْلَى نَاراً ذَاتَ لَهَبٍ» (المسد: ۳ و ۱).

۲-۳-۳- اثرپذیری گزارشی

این اثرپذیری در واقع تأثیری است که شاعر از یک متن از آیه یا حدیث می‌گیرد و مانند تأثیرپذیری واژگانی منحصر به واژه‌ای خاص نمی‌شود. در این نوع تفسیری یا تاویلی که از آیه یا حدیث داریم، نمودار می‌سازیم. گاهی شاعر مضمونی از آیه یا حدیث را ترجمه و به زبان فارسی آن را گزارش و گاهی نقل قول، و نام گوینده را ذکر می‌کند و گاهی از زبان خود می‌گوید.

الف) ترجمه

ترجمه در شعر این است که شاعر بیتی را که از زبان دیگر است، به نظم در آورد. «بهترین ترجمه آنست که لفظ بلیغ باشد و معنا را به تمامی منتقل کند؛ در واقع اگر مطلبی از زبانی به زبان دیگری برگردانده شود، ترجمه صورت گرفته است که این کار هنری هم در نثر و هم در نظم رواج دارد» (همایی، ۱۳۸۷: ۳۷۳). ترجمه به دو صورت تحت‌اللفظی و یا به صورت آزاد، ترجمه آیه و حدیث باز آورده می‌شود:

چنین گفت آن بر خلائق شفیق

که اول رفیق است، آنگاه طریق

(وصال شیرازی، ۱۳۷۸:

۷۷۱/۲)

«إِلْتَمَسُوا الْجَارَ، قَبْلَ شَرِّ الدَّارِ، وَ الرَّفِيقَ، قَبْلَ الطَّرِيقِ» (نهج الفصاحة: ۲۴۶).

کاین کار صبر خواهد و هست آدمی عجول

هرگز کسی به عشق نبوده است کامران

(وصال شیرازی، ۱۳۷۸: ۴۱۱/۲)

«وَيَدْعُ الْإِنْسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا» (الإسراء: ۱۱).

ب) تفسیر

در این شیوه، مضمون آیه یا حدیث توسط سخنور به صورت مبسوط آورده می‌شود:

بیار می که زین دو برون نیست وصف بهشت

هوا نه سرد و نه گرم و زمین نه خشک و نه تر

(وصال شیرازی، ۱۳۷۸: ۱۷۸/۲)

«مَتَّكِبِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ لَا يَرُونَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمْهَرِيرًا» ((الأنسان: ۱۳).

۴-۳-۲- اثر پذیری الهامی - بنیادی

در این تأثیرپذیری اصل و پایه سخن شاعر از آیه یا حدیثی الهام گرفته شده؛ و سروده‌اش بر آن نکته بنا شده است و گوینده «سخنی می‌پردازد که آشنایان، آن را با آیه یا حدیثی در پیوند می‌بینند، پیوندی گاه تا آن‌جا نزدیک و آشکار که سخن را ترجمه‌ای خیلی آزاد از آیه یا حدیث فرا می‌نماید، و گاه چنان دور و پنهان که پذیرش اثری را دشوار می‌سازد» (راستگو، ۱۳۹۳: ۴۷). مانند:

وز جانبیش صاحب دیوان که کلک او
بر دفع دیو فتنه شهابیست شعله‌ور
(وصال شیرازی، ۱۳۷۸:

(۱۹۲/۱

«وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَجَعَلْنَاهَا رُجُومًا لِلشَّيَاطِينِ» (الملك: ۵).

بار غم عشق را کوه به زنهار خواست
قوت ما تا به چند، طاقت ما تا کجاست

(وصال شیرازی، ۱۳۷۸: ۶۳/۲)

«إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا» (الأحزاب: ۷۲).

۵-۳-۲- اثرپذیری تلمیحی

تلمیح، مصدر باب تفعیل است از مجرد «لمح» به معنی جستن برق است. «اگر شاعری، شعری بسازد که الفاظ اندک او بر معانی بسیار دلالت کند آن را تلمیح می‌خوانند و این صنعت پسندیده‌تر از اطناب است» (قیس رازی، ۱۳۸۸: ۳۷۷). در این شبهه از تأثیرپذیری گوینده سخن خود را بر پایه نکته‌ای قرآنی یا روایی بنا می‌نهد، اما گوینده در سخن خود نشانه یا اشاره‌ای قرار داده است. در این تأثیرپذیری گوینده «خواننده اهل و آشنا را به آنچه خود بدان نظر داشته، راه می‌نماید، و چه بسا خواننده ناآشنا را به کندوکاو و پرس و جو وا می‌دارد، و همین است تفاوت آشکار اثرپذیری تلمیحی با الهامی - بنیادی. این نشانه و اشاره بیشتر یاد کرد پاره‌ای از واژه‌های ویژه آیه یا حدیث است» (راستگو، ۱۳۹۳: ۳۴). مانند:

اگر از برای نانی آرنی زند یکیشان
به خدا که برنگردد به هزار لن ترانی
(وصال شیرازی، ۱۳۷۸:

(۴۸۱/۱

کلیم کان همه سرکوب لن ترانی یافت

کمال حضرت او جسته بود زان دیدار

(همان: ۲۲۸/۱)



«وَلَمَّا جَاءَ مُوسَى لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي أَنْظُرْ إِلَيْكَ قَالَ لَنْ نَرَاكَ إِلَّا إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرَانِي فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَى صَعِقًا فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ» (الأعراف: ۱۴۳).

۶-۳-۲- اثر پذیری تأویلی

در این شیوه شاعر آیه و حدیث را با ذوق ورزی، نکته‌یابی، پنهان پژوهی و موشکافی از لایه‌های برونی و دریافت‌های همگانی، آن‌گونه که بخواهد دست مایه سروده خویش می‌سازد و از لایه‌های پیدای سخن فراتر می‌رود و به عمق سخن راه می‌یابد و راز پنهانی از پیام را به تصویر می‌کشد.

«در این شیوه اثرپذیری، از این روی که شاعر از آیه یا حدیث معنایی نغز و نوبه دست می‌دهد، ناگزیر این اثرپذیری بر خلاف دیگر اثرپذیری‌ها که گاه پنهانند و گاه آشکار، همواره آشکار خواهد بود» (راستگو ۱۳۹۳: ۵۵). مانند:

چو پادشاه چو شبان است و خلق چون گله‌اش به چنگ گرگ کجا گله را گذاشت شبان

(وصال شیرازی، ۱۳۷۸: ۳۵۵/۱)

«كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كَلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ» (همه شما شبانید و همتان درباره رعیت خویش مسئولید) (بحار الأنوار «ط - بیروت»: ۳۸/۷۲).

آن طعامی که گواراتر آنان، آن است که فقیری نتواند شد از آن دست آلی

(وصال شیرازی، ۱۳۷۸: ۴۷۸/۱)

«شَرُّ الطَّعَامِ طَعَامُ الْوَلِيْمَةِ؛ يُدْعَى إِلَيْهَا الشَّبْعَانُ وَ يُحْبَسُ عَنْهُ الْجَائِعُ» (بدترین غذاها، غذای ولیمه است که سیر را بدان خوانند و گرسنه را از آن باز دارند) (نهج الفصاحه: ۵۳۷).

۷-۳-۲- اثر پذیری تطبیقی

تطبیق دادن آیه یا حدیث بر موردی خاص که به ظاهر چندان با هم پیوندی ندارند، توسط گوینده، بدون نقد و رد کردن معنی اصلی و ظاهری، گویند. می‌توان گفت: «در این شیوه معمولاً به معنی اصلی و اولی آیه یا حدیث نظری نیست، و همین است مهم‌ترین تفاوت تأویل با تطبیق، یعنی تأویل، یا گونه‌ای چاره‌جویی است برای بدست آوردن معنایی خرد پسند و دلچسب از آیه یا حدیثی که پذیرش معنی ظاهری آن دور و دشوار می‌باشد و یا گونه‌ای ژرف کاوی است برای راه‌یابی به لایه‌های درونی آیه یا حدیث» (راستگو، ۱۳۹۳: ۶۰). مانند:

غافل از اینکه بر او جیفه حلال است امروز هر که در پارس وطن دارد و مدحت خوان است

(وصال شیرازی، ۱۳۷۸: ۸۶/۱)

«كُلُّ شَيْءٍ اضْطَرَّ إِلَيْهِ ابْنُ آدَمَ فَقَدْ أَحَلَّهُ اللَّهُ لَهُ» (هر چیزی که آدمی به آن مضطرّ شود، خداوند آن را برای او حلال کرده است) (بحار الأنوار «ط - بیروت»: ۸۲/۵۹).

۸-۳-۲- اثرپذیری تصویری

به وام گرفتن تصویر از قرآن و حدیث توسط شاعر را اثرپذیری تصویری گویند. «مراد از تصویر نقش آفرینی‌ها، سیماسازی‌ها، نگاره پردازی‌ها و چهره‌بخشی‌های شاعرانه‌ای است که سخنور با خامه خیال بر صفحه سخن می‌نگارد و می‌پردازد و حاصل آن همان است که در زبان ادب تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه، تجسیم، تشخیص و به طور کلی صور خیال (ایماژ) خوانده می‌شود» (راستگو، ۱۳۹۳: ۶۱). در این نوع تأثیر پذیری معمولاً حسن تعلیل نیز دیده می‌شود:

کو خضر تا بر سر آب بقا رهبر شود و ر نه خواهد کشت خلقی را فریب این سراب

(وصال شیرازی، ۱۳۷۸: ۵۰/۲)

«الذُّنْبُا غُرُورٌ حَائِلٌ وَ سَرَابٌ زَائِلٌ» (دنیا فریبایی نابکار و سرابی ناپایدار است) (شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم: ۱۲۱/۲).

۹-۳-۲- اثرپذیری شیوه‌ای

در این گونه از اثرپذیری، سخنور با استفاده از شیوه‌های بیانی - بلاغی قرآن و حدیث و برگرفتن آن، سخن را براین مبنا پی‌ریزی می‌کند. اینکه نام این نوع اثرپذیری شیوه‌ایست بدین منظور است که سخن از سطح زبان به سطح ادب و هنر فراتر می‌رود و به گیرایی و اثر بخشی آن می‌افزاید؛ مانند همان شگردهایی که فنون بلاغت و نقد ادبی بررسی و بازنمایی می‌کنند.

این اثرپذیری بدین شیوه است که «نمونه‌ای که ایهام گونه‌گون خوانی یا ایهام چند گونه‌خوانی نام گرفته است و به گمان ما می‌تواند از گونه‌گون خوانی‌های قرآن مجید اثر پذیرفته باشد» (راستگو، ۱۳۹۳: ۸۵). مشهود است که یکی از شیوه‌های بیانی قرآن اینچنین بوده که پاره‌ای از واژه‌ها و عبارات را به چند گونه می‌توان خواند، بی‌آنکه به درستی و شیوایی آن آسیبی برسد؛ مانند حافظ که توانایی خواندن قرآن با چهارده روایت را داشته است و «باری به گمان ما خواجه شیراز ایهام گونه‌گون خوانی را از گونه‌گون خوانی‌های قرآن آموخته و به شیوایی و زیبایی در سخن خویش باز آورده است» (راستگو، ۱۳۹۳: ۸۶). مانند:

شهره بودند کسانی که به هرّونی تو هر یکی سامریی گشته به اضلال عوام

(وصال شیرازی، ۱۳۷۸: ۳۱۰/۱)

این بیت را می‌توان با نسخه بدل «سامریی»، یعنی «ساحریی» نیز خواند، و بیت با هر دو قرائت معنی می‌دهد و زیباست.

۲-۳-۱۰- رخدادهای مذهبی



رخدادهای مذهبی را در اشعار وصال به دو دسته می‌توان تقسیم کرد: یکی رخدادهایی که در حدّ یک یا چند بیت در دیوان آورده شده است، که بیشتر می‌توان گفت وصال به واقعه‌ای اشاره کرده است، دیگر داستان‌هایی است که وصال به تصویر کشیده و مفصل‌تر بدان پرداخته است.

الف) اشارات موردی

۱- قرآن بر سر نیزه کردن

قرآن به نیزه کردنشان زرق بود و مکر
پیمان شکست صاحب تیغ و لوا چه شد
(وصال شیرازی، ۱۳۷۸: ۵۴۷/۱)

«عمرو بن عاص گفت: قرآن‌ها را بر سر نیزه‌ها می‌افزایم و می‌گوییم: هر چه در این قرآن‌ها است میان ما و شما داوری کند. اگر برخی از عراقیان، این را نپذیرند، برخی دیگر خواهند گفت: «آری؛ رواست که آن را بپذیریم» و بدین وسیله، میانشان گسستگی پدید خواهد آمد. معاویه گفت: آری، هر که قرآن دارد، بر نیزه بیافرازد. سپاهیان شام، صد قرآن را در مقابل امام علی (علیه السلام) که در قلب لشکر بود قرار دادند و در مقابل هر یک از جناحین دویست قرآن بر پا داشتند که روی هم رفته به پانصد قرآن می‌رسید سپس شامیان یک صدا می‌گفتند: کتاب خدا میان ما و شما داور است» (وقعة الصقین: ۴۳۳).

ب) اشارات مفصل

۲- ماجرای قربانی کردن ابراهیم (ع) اسماعیل (ع) را

چه پرسی چه بود آن خیال خلیل	به ذبح گران‌مایه پور جلیل
خلیل خدا نیز مهر پسر	به دل یافت چون بینش اندر بصر
ولیکن به دادارش انباز یافت	کش از پاک دادار انبار یافت
بگفتا به یک دل نگنجد دو مهر	بر آن شد که برّد سر خوب چهر
چو آورد با خود به قربانگهش	خدا کرد از سر کار آگهش
همی گفت و افکند برنده تیغ	که با دوست گستاخ بودم دریغ
چو ایزد به روی وی این در گشاد	بگفتا نشانیش باید نهاد
در این بد که جبریل گفتش بلند	که هان ای خلیل الله این گوسپند
بیاوردم او را ز باغ بهشت	که بهر فدا ایزد او را سرشت
خلیل آن فدا را فدا کرد زود	چو بر وی در آشنایی گشود

(وصال شیرازی، ۱۳۷۸: ۸۶۰/۲)

(۸۶۱)

در عیون أخبار الرضا علیه السلام «ترجمه آقا نجفی»: ۱۵۲/۱، آمده است:

اما اسماعیل آن پسر بردبار و حلیم است که حق تعالی مژده داد ابراهیم (ع) را بوجود او و چون باوان بلوغ رسیده و در جوانی و خوشروئی عدیل و نظیر نداشت ابراهیم باو گفت ای پسرک من پیوسته در خواب می‌بینم که ترا ذبح می‌کنم یعنی پیاپی در خواب، خطاب الهی بمن می‌رسد که داغ فراق چون تو فرزندى بر دل بریان نهم و ترا بزخم بی‌دریغ قربانی کنم پس بنگر در این کار چه چیز می‌بینی اسماعیل عرض کرد راضی هستم برضای خدا ای پدر بزرگوار بکن آنچه مأموری و بجای او آنچه در خواب ترا نموده‌اند و اسماعیل نگفت ای پدر مکن آنچه می‌بینی چون اگر این طور گفته بود کشف از عدم رضای او می‌نمود زیرا که پدر قتل پسر را نمی‌پسندد ای پدر زود باشد که بیایی مرا در این امر اگر خدای من بخواهد از صبرکنندگان بر ذبح یعنی اگر توفیق سبحانی قرین حال من باشد متحمل این بلیه عظیم شوم و اصلاً جزع نکنم؛ چون که ابراهیم (ع) بر ذبح او عزم نمود و مصمم شد و اسباب ذبح فراهم آورد حق تعالی فدا فرستاد از برای او بذبح عظیم و بزرگ جثه و آن بره بود، کبود رنگ و سفیدی میزد مثل رنگ نمک و فربهی و بزرگی او بر وجهی بود که این قدر سایه او بزرگ بود که علف می‌خورد در سایه خود و آب می‌خورد در سایه خود و نظر میکرد در سایه خود و راه میرفت در سایه خود بول می‌کرد در سایه خود پشکل می‌انداخت در سایه خود و پیش از آوردن آن چهل سال دو باغ بهشت چریده بود و از گوسفند ماده نژائیده بود بلکه حق تعالی بدون اسباب، بید قدرت ایجاد کرده بود تا این که آن را فدای اسماعیل قرار دهد پس تا روز قیامت هر چه در منی فدا خواهد شد فدای اسماعیل است.

۱۱-۳-۲- اثر پذیری چند سویه

شیوه‌های تأثیرپذیری از قرآن و حدیث که انواعی دارد؛ گاهی ممکن است چند نوع از این تأثیرپذیری در بیتی جمع شده باشد و قرارگیری این تأثیرپذیری‌ها در کنار یکدیگر به اصطلاح «مانعۀ الجمع» نیست. مانند:

از صفات دوزخ خشمش یکی بئس المصیر وز نعوط جنت لطفش یکی نعم المآب

(وصال شیرازی، ۱۳۷۸: ۴۹/۱)

تأثیر پذیری واژگانی

الف. وام‌گیری: کلمه «جنت» و «المآب»: «مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ» (توصیف بهشتی که به پرهیزگاران وعده داده شده، «این است که» نه‌های آب از زیر درختانش جاری است) (الرعد: ۳۵).
«وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ» (و سرانجام نیک، نزد خداست) (آل عمران: ۱۴).

ب. برآیند سازی: ترکیب «دوزخ خشم»: «تَكَادُ تَمَيِّزُ مِنَ الْغَيْظِ كُلَّمَا أَلْقَى فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ» (الملک: ۸).

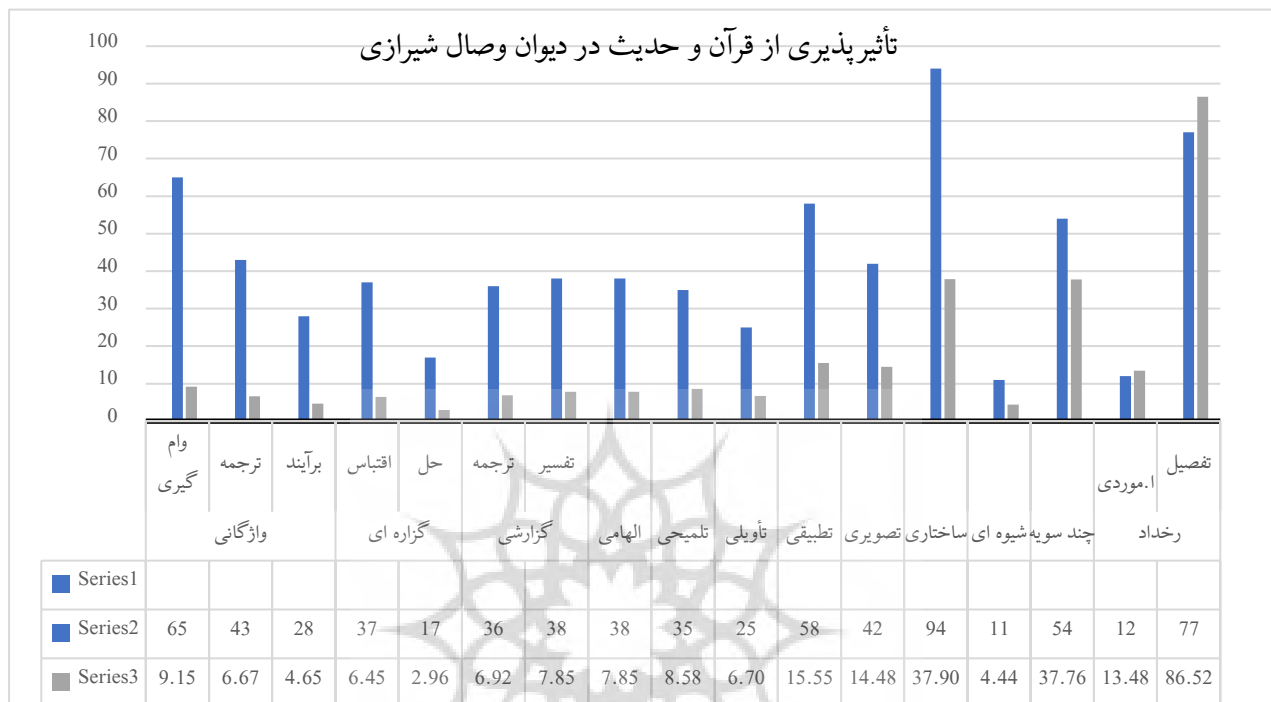
جداول و نمودارهای آماری

درصد		بیت	شیوه‌های تأثیرپذیری		ردیف
19	9	65	وام‌گیری	واژگانی	1



	6	43	ترجمه			
	4	28	برآیند سازی			
7	5	37	اقتباس - تضمین		گزاره‌ای	
	2	17	حل			
10	5	36	ترجمه		گزارشی	
	5	38	تفسیر			
5		38	الهامی - بنیادی		4	
5		35	بیت		تلمیحی	
		17	مورد			
4		25	تاویلی		6	
8		58	تطبیقی		7	
6		42	بیت		تصویری	
		10	مورد			
13		94	بیت		ساختاری سبکی	
		12	مورد			
2		11	شیوه‌ای		10	
8		54	چند سوبه		11	
2		12	اشارات		رخدادهای مذهبی	
		7	موردی			
11		77	بیت		تفصیل	
		7	مورد			
					100	جمع

-جدول شماره یک: تأثیرپذیری از قرآن و حدیث در دیوان وصال شیرازی به تفکیک





تأثیر پذیری از قرآن و حدیث در دیوان وصال شیرازی



- | | | | | | |
|-----------|------------|-----------|-----------|------------|----------|
| ■ واژگانی | ■ گزاره ای | ■ گزارشی | ■ الهامی | ■ تلمیحی | ■ تأویلی |
| ■ تطبیقی | ■ تصویری | ■ ساختاری | ■ شیوه ای | ■ چند سویه | ■ رخداد |

- نتیجه‌گیری

وصال شیرازی یک شاعر مسلمان شیعی شریعت‌مدار و متشرع است و با دقت در دیوان وی تسلطش را به امور و مفاهیم دین و شرع می‌توان دید؛ تأثیرپذیری او از قرآن و حدیث در شعرش بعضاً آفت و خیزهایی داشته، ولی هیچ‌گاه ذهن و زبان شاعر از این امور خالی نبوده است. بسامد و اقسام هر نوع از تأثیرپذیری در شعر وصال بدین گونه است:

۱- وصال در تأثیرپذیری‌هایی که از آیات قرآن و احادیث داشته، از واژه‌های قرآنی بیشتری نسبت به احادیث بهره برده است و این نسبت، به گونه‌ای است که بهره‌گیری وصال از احادیث را در تأثیرپذیری واژگانی، نسبت به تأثیرپذیری از آیات قرآن انگشت‌شمار کرده است.

۲- در تأثیرپذیری از نوع ترجمه و برآیندسازی که انواع دیگر تأثیرپذیری واژگانی هستند، نیز همین نسبت قبل صدق می‌کند و این نسبت بهره‌گیری به وام‌گرفتن از الفاظ قرآن محدود نشده است.

۳- به طور کلی حدود بیست درصد تأثیرپذیری‌ها در دیوان وصال از نوع واژگانی هستند و درصد باقی مانده بین ده نوع دیگر تأثیرپذیری، تقسیم شده است.

۴- در شعر وصال، تأثیرپذیری ساختاری- سبکی پس از واژگانی در رتبه دوم قرار دارد. نکته حائز اهمیت این است که نوع این تأثیرپذیری، کمی از سایر متفاوت است؛ در اکثر اقسام تأثیرپذیری‌ها، تأثیرپذیری در حد بیت است حال اینکه، تأثیرپذیری ساختاری- سبکی، شاعر در سرودن، آیات و احادیثی را سرمشق و نمونه کار خود قرار داده و مجموعه ابیاتی در رابطه با آن موضوع سروده است.

۵- وصال در تضمین کردن و به کار بردن آیات و احادیث به صورت همان عبارت عربی چندان راغب نبوده است؛ بعضاً، چنین اقتباس‌هایی از او دیده می‌شود ولی در مقایسه با شعریایی که در سروده‌هایشان به قرآن و حدیث نظر داشته‌اند، به نسبت ناچیز است؛ به خصوص اقتباس از نوع حل که آیه یا حدیث در بیت، تغییرات و جابه‌جایی‌هایی روی آن اعمال می‌گردد.

۶- جامع تجلیات آیات قرآن و احادیث که در بلاغت کهن مطرح است، همچنین تقسیم‌بندی‌های جدیدی که از تأثیرپذیری‌ها ارائه شده است، در دیوان وصال وجود دارد. در این بین تأثیرپذیری شیوه‌ای «در بلاغت کهن وجود نداشته است»، در دیوان وصال تعداد انگشت‌شماری وجود دارد که کم‌ترین نوع تأثیرپذیری است.

۷- وصال، وقایع تاریخی که جنبه مذهبی دارند را هم به نظم کشیده است که در این پژوهش با نام رخداد مذهبی، بخشی به آن اختصاص داده شده است. وصال در اثنای سخن به این داستان‌ها و وقایع اشاره می‌کند و گاهی داستان را هر کجا فرصتی مناسب ببیند به نظم می‌کشد. این سروده‌ها حدود ده درصد اشعار مورد نظر از دیوان وصال، در این پژوهش است.



منابع

قرآن کریم

- احمدی، مهدی و موسوی علی‌رضا. (۱۳۹۴). «بررسی جایگاه اهل بیت (ع) در شعر وصال شیرازی». مجله علمی-پژوهشی زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد فسا، س ۶، ش ۲ (پیاپی ۱۳). پاییز.
- آقا جمال خوانساری، محمد بن حسین. (۱۳۶۶). شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم. تهران: دانشگاه تهران.
- حلبی، علی اصغر. (۱۳۹۸). تأثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی. تهران: اساطیر.
- راستگو، سید محمد. (۱۳۹۳). تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
- راشد محصل، محمدرضا. (۱۳۸۹). پرتوهایی از قرآن و حدیث در ادب فارسی. مشهد: آستان قدس رضوی.
- شمس العلماء گرکانی. (۱۳۷۷). ابداع البدایع. به اهتمام حسین جعفری و با مقدمه دکتر جلیل تجلیل. تبریز: احرار.
- قیس رازی، شمس‌الدین محمد. (۱۳۸۸). المعجم فی معاییر اشعار العجم. تهران: علم.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۳۴۳). بحار الأنوار (ط- بیروت). بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- محمد ابن علی، ابن بابویه (شیخ صدوق). (۳۶۶ هـ ق). عیون اخبار الرضا. ترجمه محمد تقی آقا نجفی اصفهانی. (۱۲۹۷ هـ ق). تهران: انتشارات علمیة اسلامیة.
- معصوم شیرازی، محمد. (۱۳۴۵). طرایق الحقایق. تهران: کتابخانه سنائی.
- نصر بن مزاحم. (۱۳۸۲). وقعة الصفین. تحقیق و شرح عبدالسلام محمد هارون. قاهره: المؤسسة العربیة الحدیثة.
- وصال شیرازی، محمد شفیع. (۱۳۷۸). دیوان کامل وصال شیرازی (۲ جلدی). شیراز: نوید شیراز.
- همایی، جلال‌الدین. (۱۳۷۴). فنون بلاغت و صناعات ادبی. تهران: نشر هما.

Methods of being influenced by Quran and Hadith in Vesal Shirazi's poetry

Seyed amir jehadi¹
Hamidreza kharazmi²
Alireza khodavand dost³

Abstract

Mirza Mohammad Shafi Shirazi alias Vesal in the thirteenth century AH, a Muslim poet and a devout Shiite, is one of the lovers of the Ahl al-Bayt and one of the poets who in composing his poems on the verses of the Qur'an, narrations, hadiths and religious events and masterfully He has used his religious knowledge in his poetry with a fluent and eloquent nature. In this research, an attempt has been made to show the types of influences from the Quran and Hadith in the Divan of Vesal Shirazi. One of the important aspects of this research is that the methods of reflecting the hadiths and verses of the Qur'an in Wisal Divan have been highlighted and classified among a multitude of praiseworthy and descriptive poems. It also includes showing the reflection of religious beliefs in the court and the application of Quranic verses and hadiths and analyzes their frequency. The frequency of being influenced by the Qur'an and Hadith in Vesal's Divan in terms of poetic format is firstly assigned to his poems and then to his Masnavi, and in Vesal's sonnets, despite the high number, less influence is observed in this format; Also, Vesal has been influenced by the Qur'an and hadiths, who has taken advantage of this whenever he has a suitable opportunity and has done so in various ways; These include a special insistence on borrowing the words of the verses of the Qur'an, comparing them with verses and hadiths, and turning the audience's mind to the verses. The method considered in this research is a library method based on analysis and description of quantitative and qualitative content.

Keywords: Vesal Shirazi, Quran, Hadith, Manifestation of Quran and Hadith, Religious allusions.

1 . Associate Professor of Persian Language and Literature , Faculty of Literature and Humanities, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran . (Corresponding author)//Email : jahadi@uk.ac.ir

2 . Associate Professor of Persian Language and Literature , Faculty of Literature and Humanities, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran . //Email: hamidrezakharazmi@uk.ac.ir

3 . Graduate Student of Persian Language and Literature, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran. //Email : alirezakhodavanddost@gmail.com